

عباس اقبال استیانی

شامل یکصد و یک مقاله

بامقدمه و تصحیح آقای دکتر محمد دبیرستانی

ناشر
کتابفروشی خیام

سال ۱۳۵۰

Dergi / Kitap
Kütüphanesi Mevcuttur

N. Şefik Bolcanlı

عماره مروزی

یکی از مشاهیر گویندگان قدیم فارسی زبان که بدبختانه از گفته های او امروز چیزی قابل در دست نیست عماره مروزی است که از شعرای او آخر عهد سامانیان و اوایل ایام - جهانگیری آل سبکتکین بوده و ذکر نام و نشان و اشعار و آثار او جز در دو سه کتاب در مجلسی دیگر نیامده است .

نگارنده در این مقاله مختصری یاد در تحت چند عنوان اطلاعات متفرقی را که راجع به این گوینده قدیم العهد جمع آورده از لحاظ نظر خوانندگان محترم میگذراند و تمنی دارد که اگر قارئین گرامی مجله شرق از اشعار و احوال این شاعر اضافه بر آنچه در این مقاله مذکور است اطلاع دارند با انتشار آن عشاق ادبیات فارسی را ممنون سازند و به روشن ساختن احوال یکنفر از استادان نظم این زبان کمکی بنمایند .

۱- اسم این شاعر

اسم و کنیه و نام پدر این شاعر فقط در کتاب لباب الالباب مذکور است و عوفی او را (ابو منصور عمارة بن محمد المروزی) می نامد . تذکره نویسان بعد از عوفی همه از روی لباب الالباب نام و نشان این شاعر را برداشته و هیچکدام مطلب تازه ای بر مندرجات لباب الالباب نیفزوده اند . در باب تلفظ صحیح اسم این شاعر که گویا به آن تخلص نیز میکرد مختصر تردیدی است یعنی درست نمیدانیم که انرا عماره بفتح عین و تشدید میم یا بتخفیف میم و ضم یا کسر عین تلفظ میکردند . عوفی از یکی از شعرای متأخر مصرع ذیل را نقل میکند و میگوید که شعرای عصر آخر او را مقتدای خود دانسته و شعرا و را به جودت صفت کرده چنانکه شاه بوعلی رجائی گوید : من خود ترا بشعر گرفتم عماره ای .

بقرینه این مصرع و عبارت عوفی که گوید : " عماره که در عمارت بنا " ثنا مهندسین استاد بود " شاید بتوان یقین کرد که نام این شاعر عماره بکسر عین و تخفیف میم بوده است . این کلمه در میان عرب در اعلام رجال یا بکسر عین استعمال میشده یا بضم آن و در هردو صورت میم آن مشدد نبوده و عماره بامیم مشدد یا از اعلام جغرافیائی است و یا از

مقالات اقبال استیانی - عماره مروزی
اسامی مؤنث و در این صورت اخیر گویا کلمه مزبور مؤنث عمار باشد . بهر حال اگر چه قیاساً استعمال عماره بر وزن علامه (بامیم مشدد بعنوان صیغه مبالغه) صحیح است ولی چون استعمال آن باین هیئت در اعلام رجال عربی شایع نبوده تا وقتی که شاهد قطعی بدست نیاید نگارنده در اسم شاعر موضوع این مقاله عماره بامیم مخفف و عین مکسور را بر سایر شقوق آن ترجیح میدهد .

۲- زمان این شاعر

عوفی این شاعر را در عهد اشعراى عهد سامانی می آورد و چون از او مدح سلطان یعین الدوله محمود غزنوی (۳۸۷ - ۴۲۱) نیز مدیحه ای ذکر میکند معلوم میشود که عماره اساساً از شعرای عهد سامانی بوده ولی بعد از برجیده شدن اساس حکمرانی این سلسله و طلوع کوکب غزنویان مثل کسائی بمدح سلطان محمود نیز که بدان صلوات گزاف بشعرا شهرت داشته پرداخته است .

عوفی این قطعه را از او در مرثیه امیر ابو ابراهیم نقل میکند :

از خون او چو روی زمین لعل فام شد روی و فاسیه شد و چه رامید زرد
تیغش بخواست خورد همی خون مرگرا مرگ از نهیب خویش مر آن شاه را بخورد
لقب این امیر در لباب الالباب (المنقصر) طبع شده و نگارنده یقین دارد که
این کلمه المنتصر بوده و مرحوم براون به اشتباه آنرا المنقصر قرائت و چاپ کرده و یاد نسخه اساس طبع به این هیئت مرقوم بوده است .

امیر ابو ابراهیم اسماعیل بن نوح بن منصور سامانی ملقب به المنتصر برادر عبدالملک دوم آخرین پادشاه سامانی است و او با جمیع شاهزادگان سامانی بتاريخ ۳۸۹ در بخارا بدست ایلک خان اسیر شد و بشرحی که در تاریخ یمنی و توارخ دیگرمذکور است از محبس ایلک خان گریخت و چند سال در خراسان و ماوراء النهر باعمال و لشکریان ایلک خان و سلطان محمود میزد و میخورد تا در تاریخ ربیع الاول یاریع الاخره ۳۹۹ در ریابان مرو بدست بادیه نشینان عرب آن نواحی بقتل رسید و اساس خاندان سامانی به کشته شدن آن امیر رشید جنگا و برجیده شد آ

۱- تاج العروس ج ۳ ص ۴۲۳ ماده ۴۴۴
۲- از اشعار فارسی این امیر در جلد اول لباب الالباب ص ۲۳ و قطعه موجود است و در آنجا بجای منتصر لقب او منصور ضبط شده و آن نیز غلط است .